

دکتر کرامت‌ا... زیاری

دانشگاه یزد

شماره مقاله: ۴۲۲

## مدلهای تحلیلی فقر، توزیع درآمد و نابرابریهای منطقه‌ای در ایران

Dr. K. Ziari

University of Yazd

### The Poverty Models Analysis, Income Distribution & Regional Unbalances in Iran.

This paper examines the poverty models analysis, income distribution and regional unbalances in Iran.

The first phase concerns the evaluation of mental, absolute, relative poverty. And also this paper have measures poverty, poverty belt, poverty point, poverty critical points and destitution critical points.

Other part of paper discusses the distribution of income in Iran from 1347 (1968) to 1373 (1994).

Finally the end mentoins the theories of poverty and poverty abolishment strategies.

#### مقدمه

اگر فقر را ناتوانی تأمین حد کافی نیازهای اساسی انسان در سطح خانواده تعریف کنیم، سه نوع فقر ذهنی، نسبی و مطلق قابل تعریف خواهد بود که برای سنجش هر کدام تکنیکهای خاصی وجود دارد. این مقاله ضمن سنجش فقر در ابعاد مختلف، به چگونگی توزیع درآمد و مدلهای رایج اندازه‌گیری آن در ایران پرداخته و توزیع درآمد را در قبل و بعد از انقلاب تحلیل می‌کند. در بخش دیگری از این مقاله به سنجش درجه توسعه‌یافتگی استانهای کشور از نظر فعالیتهای صنعتی و فعالیتهای عمومی اقتصادی اشاره می‌شود. در پایان ضمن ارایه مدلهای یارانه و کاهش فقر به سیاستهای فقرزدایی و تقلیل نابرابریها اشاره شده است.

#### تعاریف و مفاهیم

اگر نیازهای انسان در سطح خانواده به «نیازهای اساسی» در بعد مادی منحصر شود، می‌توان آنها را

شامل خوراک، پوشاک، مسکن، بهداشت و درمان، آموزش، جابه‌جایی و رفت و آمد، تشکیل خانواده، گذران اوقات فراغت و پس‌انداز دانست. با این نگرش تعریف فقر عبارتست از:

«ناتوانی تأمین نیازهای اساسی انسان». اما چون شاخصهای منتج از مستغیرهای فوق در سطح خانواده، در مناطق و کشورهای مختلف، دارای تفاوت‌های چشمگیری است، با روشهای ریاضی می‌توان نیازهای اساسی انسان در سطح خانواده‌های یک تا چند نفری را در مناطق و کشور محاسبه کرد. در این صورت فقر عبارتست از: «ناتوانی تأمین حد کافی نیازهای اساسی انسان در سطح خانواده».

با توجه به تعریف فوق، فقر را در مفاهیم سه‌گانه «فقر ذهنی»، «فقر نسبی» و «فقر مطلق» طبقه‌بندی می‌کنند. «فقر ذهنی» به صورت قضاوت هر فرد در مورد این که آیا نیازهای وی در حد کافی و یا غیرکافی ارضا می‌شود یا نه، تحقق می‌یابد. یعنی ملاک، قضاوت شخصی و ذهنی افراد است.

«فقر نسبی» عبارتست از سنجش درجه ارضای نیازهای فرد در رابطه و نسبت به دیگر افراد جامعه. «فقر مطلق» به معنی حداقل سطح زندگی می‌باشد.

### روشهای اندازه‌گیری فقر

برای تعیین و اندازه‌گیری فقر باید شاخصهایی تعیین شود تا براساس آنها و مدلهای قابل قبول بتوان فقر، خط فقر، نقطه فقر، زیر خط فقر، مرز فقر و عمق فقر را مشخص کرد.

درباره فقر ذهنی، فقر نسبی و فقر مطلق می‌توان مدلهای جداگانه‌ای ارائه داد<sup>۱</sup>:

### روش اندازه‌گیری فقر ذهنی

برای اندازه‌گیری فقر ذهنی می‌توان از روش سؤال یا مشاهده استفاده کرد. به عنوان مثال مشاهده رفتار افراد در مورد کسب درآمد، تمایل افراد به کار اضافی و یا به تعویق انداختن سن بازنشستگی برای کسب درآمد بیشتر ملاک و معیار فقر می‌باشد.

### روش اندازه‌گیری فقر نسبی

برای اندازه‌گیری فقر نسبی، درآمد خانواده با متوسط درآمد خانوارهای جامعه مقایسه می‌شود. در این روش موضوع توزیع درآمد در تمام جامعه مورد رسیدگی قرار می‌گیرد. اگر رشد اقتصادی باعث افزایش درآمد تمام طبقات و گروههای درآمدی جامعه به یک نسبت شود، فقر نسبی تغییری نخواهد کرد. اما اگر توزیع درآمد به نفع گروه کم‌درآمد تغییر کند آن وقت می‌توان گفت اصلاحی در وضع فقرا به وجود آمده است. در فقر نسبی تمام جامعه مورد بررسی قرار می‌گیرد. یکی از روشهای مرسوم

۱- حمید نهرانی، مفهوم و اندازه‌گیری فقر، سازمان برنامه و بودجه، تهران، بی‌تا، بی‌صفحه.

برای پی بردن به چگونگی توزیع درآمد، بهره گیری از منحنی لورنز<sup>۲</sup> آماردان امریکایی است. این منحنی رابطه بین درصدهای درآمد و جمعیت را نشان می دهد. یعنی اگر در جامعه‌ای ۱٪ جمعیت، ۱٪ از درآمد ملی و ۵۰٪ جمعیت، ۵۰٪ درآمد ملی و ۹۹٪ جمعیت ۹۹٪ درآمد ملی سالیانه را داشته باشند، در آن جامعه توزیع درآمد بین مردم وجود دارد. اما برابری درآمد مقوله دیگری است چراکه برابری درآمد حتی در جوامع سوسیالیستی و کمونیستی نیز وجود نداشته و هرگز در هیچ جامعه‌ای هم تحقق نیافته است. چون در جوامع آزاد به دلایل تفاوت در ثروتهای موروثی و اکتسابی، نبوغ، سطح آموزش و دانش و تخصصهای فنی منحنی لورنز از خط برابری کامل در توزیع درآمد فاصله دارد. هرچه منحنی لورنز از قطر مربع یا خط برابری فاصله داشته باشد، درجه نابرابری بیشتر است و برعکس آن درجه نابرابری کمتر خواهد بود. فاصله خط تعادل و منحنی را شکاف درآمدی گویند.

شاخص نابرابری یا افزایش سطح نابرابری از طریق ضریب جینی<sup>۳</sup> (آماردان ایتالیایی) قابل محاسبه است. ضریب جینی عبارتست از نسبت سطح بین خط برابری کامل و منحنی لورنز به کل سطح زیر خط برابری کامل. مقدار ضریب جینی بین صفر و یک قرار دارد. هرچه ضریب جینی به صفر نزدیکتر باشد، توزیع درآمد عادلانه تر است و هرچه به یک نزدیکتر باشد توزیع درآمد غیرعادلانه است. ضریب جینی در هیچ کشوری حتی شوروی سابق و چین کمونیست صفر نشده است. اگر ارقام به دست آمده برای ضریب جینی برای کشورهای مختلف بین  $0/8 < G < 0/3$  باشد توزیع درآمد در آن جامعه نیمه متعادل و اگر  $G > 0/5$  باشد توزیع درآمد در آن غیرمتعادل محسوب می شود<sup>۴</sup>.

برای اندازه گیری فقر نسبی می توان از شاخصهای «چندی» استفاده کرد. در این حالت بهترین روش آن است که فهرستی از نیازهای اساسی تهیه و سپس سطوح متوسط هریک از این نیازها تعیین شود. این سطوح متوسط نقاط فقر را برای هریک از این نیازها مشخص می کند.

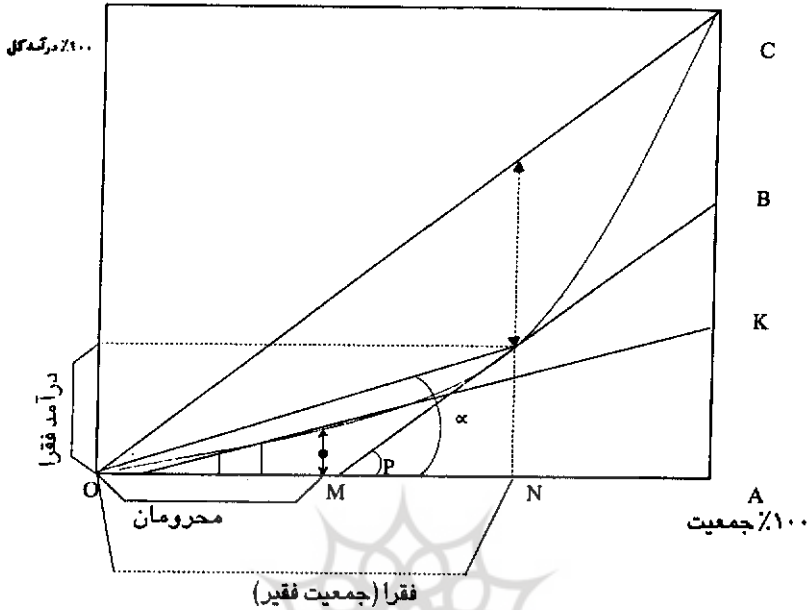
در شکل شماره ۱ مرزهای فقر و محرومیت برحسب درآمد مشخص شده است. در این مدل تانژانت زاویه P را مرز فقر برحسب درآمد، تانژانت زاویه D را مرز محرومیت و شیب زاویه a درآمد فقرا می نامند. ON جمعیت فقرا، OM تعداد محرومان است. خط D نمایشگر حداکثر شکاف درآمدی می باشد<sup>۵</sup>.

2- Loranx Curve

3- Gini Concentration Ratio

۴- علی اکبر کرباسیان، «روند توزیع درآمد در ایران»، ایوان فردا، شماره ۱۷، ۱۳۷۲، ص ۴۰.

5- Alarcon. J. R., Consumption Behaviour of Incom target, 1975.



شکل شماره ۱: تعیین مرز فقر و محرومیت بر حسب درآمد

### دهک‌های جمعیتی - درآمدی

مکمل ضریب جینی در تعیین روند توزیع درآمد جامعه، بویژه در بررسیهای مربوط به روند وضع طبقات کم‌درآمدتر و فقیر، محاسبه دهک‌هاست. همین‌طور محاسبه نسبت سهم بالاترین دهک با دو دهک درآمدی نسبت به پایینترین دهک یا دو دهک، ضرایبی از روند شکاف طبقاتی را ارائه می‌دهد. اگر جمعیت کشور را به ده گروه درصدی (دهک) تقسیم کنیم و سپس مشخص شود که به ۱۰٪ فقیرترین افراد جامعه چند درصد از درآمد ملی سالیانه اختصاص داده می‌شود و یا این که به ۱۰٪ ثروتمندترین افراد جامعه چند درصد از کل درآمد ملی اختصاص می‌یابد و بطور کلی سهم هر دهک جمعیتی از درآمد ملی چقدر است، میزان نابرابری در توزیع درآمدها به دست می‌آید. در این باره به توزیع درآمد بین هر ۱۰٪ از جمعیت کشور ایران در سالهای مورد بررسی توجه نمایید. در سال ۱۳۴۷، سهم فقیرترین دهک افراد جامعه از درآمد ملی فقط ۱/۳۱٪ و سهم ۳۰٪ افراد جامعه از درآمد ملی، ۹/۰۴٪ و سهم نیمی از جمعیت کشور فقط ۲۰٪ درآمد ملی بوده است. در حالی که در همان سال ثروتمندترین دهک ۳۷/۳۷٪ از درآمد کشور را دریافت می‌کردند. این توزیع درآمد دلالت بر وجود شکاف طبقاتی نسبتاً عمیقی بین افراد جامعه دارد. همین‌طور اگر نسبت بالاترین دهک درآمدی نسبت به پایینترین دهک درآمدی همان سال محاسبه

شود برای سالهای مورد بررسی ضرایب جدیدی از نابرابری به شرح زیر به دست می آید.

$$\frac{۳۷/۳۷}{۱/۳۱} = ۲۸/۵۴ \quad \text{برای سال } ۱۳۴۷$$

$$\frac{۳۴/۹۴}{۲/۰۰} = ۱۷/۵۱ \quad \text{برای سال } ۱۳۵۰$$

$$\frac{۴۱/۴۲}{۱/۲۹} = ۳۲/۱۶ \quad \text{برای سال } ۱۳۵۶$$

بررسی این ضرایب به تعیین روند وضع طبقات در جامعه کمک می کند.

جدول شماره ۱: مقایسه دهک‌ها طی سالهای ۴۷، ۵۱ و ۵۶

۱۳۵۶	۱۳۵۱	۱۳۴۷	سهم از درآمد ملی
۱/۲۹	۲/۰۰	۱/۳۱	سهم دهک اول (فقرترین)
۲/۴۶	۳/۲۲	۳/۳۲	سهم دهک دوم
۳/۲۵	۳/۱۶	۲/۴۱	سهم دهک سوم
۴/۲۸	۵/۰۹	۴/۹۹	سهم دهک چهارم
۵/۳۲	۶/۱۵	۵/۹۷	سهم دهک پنجم
۶/۶۲	۷/۴۴	۷/۲۷	سهم دهک ششم
۸/۳۶	۹/۱۶	۸/۸۶	سهم دهک هفتم
۱۱/۰۱	۱۱/۶۷	۱۱/۱۳	سهم دهک هشتم
۱۵/۸۸	۱۶/۱۶	۱۵/۳۷	سهم دهک نهم
۴۱/۴۲	۳۴/۹۵	۳۷/۳۷	سهم دهک دهم

مأخذ: مرکز آمار ایران، بررسی شماره ۴، خردادماه ۱۳۶۳

### فقر مطلق

معیارهای فقر مطلق در رابطه با شاخص یا شاخصهایی که بیانگر درجه ارضای نیازها هستند بیان می شوند. این ضوابط به قضاوت افراد و یا رفتار گروههای ذینفع بستگی ندارد.

معیارها شرایط مطلق را برای اندازه گیری فقر به دست خواهند داد. در تعیین ضوابط مطلق فقر باید مشخصه‌های این معیارها بیان شود تا از این طریق بتوان دریافت که نیازهای انسان به مقدار کافی برآورده

می شود یا نه. چنانچه نیازهای انسانها برآورده نشود نتیجه می گیریم که فقر وجود دارد. مسلماً چنین معیارهایی تحت تأثیر عواملی نظیر شرایط اجتماعی و اوضاع رایج سیاسی خواهد بود. در نتیجه نقاط مطلق فقر در مناطق مختلف و در شرایط زمانی مختلف متفاوت خواهد بود.

### توزیع درآمد در ایران

#### الف - قبل از انقلاب (۱۳۵۷)

داده‌های جدول شماره ۲ گویای آن است که در ده سال قبل از پیروزی انقلاب، توزیع درآمد در ایران در وضعیت «نیمه متعادل» قرار داشته زیرا در سال ۱۳۴۷ ضریب جینی برابر ۰/۴۴۷ بوده و در نتیجه بین  $0/5 < G < 0/3$  قرار داشته است و چون ضریب جینی برای سال ۱۳۵۱ کاهش نشان می دهد، می توان نتیجه گرفت تا این سال فاصله طبقاتی در ایران تعدیل و شکاف آن کمتر می شده است. ولی از سال ۱۳۵۱ به بعد هرچه به ۱۳۵۷ نزدیکتر می شویم، توزیع درآمد «غیرمتعادلترا» شده است. زیرا برای سال ۱۳۵۶ ضریب جینی برابر ۰/۵۱۴ بوده که از ۰/۵ بیشتر است. محاسبات دهک‌ها نیز یافته‌های فوق‌الذکر را تأیید می کند. در جدول شماره ۱، دهک‌ها بیانگر آنند که تا سال ۱۳۵۱، ثروت دهک دهم (ثروتمندترین خانوارها) در حال کاهش بوده و از ۳۷/۳۷٪ درآمد ملی به ۳۴/۹۵٪ تنزل کرده است و سهم فقیرترین دهک در حال افزایش بوده و از ۱/۳۱٪ درآمد ملی به ۲٪ رسیده است. ولی از آن سال به بعد و تا پایان سال ۱۳۵۶، ثروت دهک دهم افزایش یافته و به ۴۱/۴۲٪ درآمد ملی رسید. در حالی که درصد سهم فقیرترین دهک جمعیتی از درآمد ملی کاهش یافته و به ۱/۲۹٪ تنزل کرده است.

جدول شماره ۲: مقایسه ضرایب جینی در سال‌های ۴۷، ۵۱ و ۵۶

سال	ضریب جینی	نسبت سهم ثروتمندترین دهک درآمدی به فقیرترین دهک درآمدی
۱۳۴۷	۰/۴۴۷	۲۸/۵۴
۱۳۵۱	۰/۴۴۵	۱۷/۵۱
۱۳۵۶	۰/۵۱۴	۳۲/۱۶

مأخذ: مرکز آمار ایران، بررسی شماره ۴، خردادماه ۱۳۶۴.

در این سالها هر زمان ضریب جینی کاهش یافته، سهم ثروتمندترین دهک درآمدی نسبت به سهم فقیرترین دهک درآمدی نیز کاهش یافته است (جدول شماره ۲) و هر زمان که ضریب جینی افزایش یافته

نسبت مذکور نیز افزایش نشان داده است که این حالت دلالت بر وثوق بیشتر یافته‌ها در این دوره دارد. ضرایب و نسبتهای فوق‌الذکر نشان می‌دهد که از اواسط دههٔ سالهای ۱۳۵۱ شکاف طبقاتی در ایران افزایش یافته و تشدید شده است. پیدایش این شکاف بدون شک با اجرای سیاستهای تمدن بزرگ ناشی از افزایش در بافتهای ارزی «رانت»های نفتی در ارتباط بوده است.

### ب - بعد از انقلاب اسلامی

داده‌های جدول شمارهٔ ۳ بیانگر آن است که ضرایب جینی محاسبه شده براساس داده‌های مصرف حاکی از آنند که در سال ۱۳۵۸ باید نامتعادل‌ترین وضعیت در توزیع درآمد کشور ایران به وجود آمده باشد، زیرا ضریب جینی در آن سال برابر ۰/۵۹۱ بوده که بی‌سابقه است. این وضع به دلیل اوضاع اجتماعی - اقتصادی کشور و ناامنی گسترده در بخشهای اقتصادی بویژه در بخش کشاورزی و صنعت بوده که سطح تولید و درآمد بشدت تنزل کرده بود. ضمن این که از کمکهای بلاعوض دولت و پرداخت یارانه‌ها به اقشار آسیب‌پذیر خبری نبوده است.

از سال ۱۳۵۸ به بعد ضرایب جینی مرتباً کاهش نشان می‌دهند که حاکی از متعادلتر شدن وضعیت توزیع درآمد بین مردم است. ولی با وجود این تا پایان سال بررسی یعنی ۱۳۶۸ که ضریب جینی به رقم ۰/۴۳۸ می‌رسد، هنوز عدم تعادل نسبتاً شدیدی بر توزیع درآمد جامعه حاکم بوده است چرا که تا سال ۱۳۶۷ علی‌رغم آن که توزیع درآمد جامعه متعادلتر می‌شود ولی هنوز به وضعیت «نیمه‌متعادل» سال ۱۳۴۷ یعنی ده سال قبل از پیروزی انقلاب که ضریب جینی در آن سال برابر ۰/۴۴۷ بوده نرسیده بود. در واقع چنانچه این ارقام صحت داشته باشند، به لحاظ کاهش سطح کلی درآمد در این سالها، پس انداز طبقات کم‌درآمد شدیداً لطمه خورده است. همین‌طور در جدول شمارهٔ ۳ نسبتهای درآمد ۱۰٪ (دهک) ثروتمندترین به درآمد ۱۰٪ (دهک) فقیرترین افراد جامعه حاکی از آن است که از سال ۱۳۵۷ تا پایان سال ۱۳۶۵ (به جز یک سال) همه‌ساله شکاف طبقاتی در ایران افزایش یافته است. زیرا بین این سالها نسبتهای محاسبه شده از ۲۴/۰۶ به ۲۹/۷۸ ارتقاء یافته‌اند.

بدون شک پرداخت یارانه‌های مصرفی به همه مردم، بدون توجه به وضعیت درآمدی آنها و روند رشد تورم در کشور که به علت وضعیت خاص بودجه کل کشور در دوران جنگ تحمیلی بود (استقراض دولت از بانک مرکزی که منجر به افزایش حجم پول در گردش و نقدینگی زیاد در جامعه شده بود) در تشدید این شکاف طبقاتی مؤثر بوده است. زیرا که دوقطبی شدن جامعه ناشی از تسریع روند بالا رفتن سطح عمومی قیمت‌ها بر روند افزایش دستمزدهای سالیانه و یا روند نزولی دستمزدهای واقعی نیروی کار مؤثر بوده است.

جدول شماره ۳: چگونگی میزان ضرایب جینی  
بعد از انقلاب (۶۸-۱۳۵۸)

جدول شماره ۴: متوسط ضرایب جینی  
طی سالهای ۷۲-۱۳۶۹

سال	ضریب جینی	نسبت سهم ثروتمندترین دهک درآمدی به فقیرترین دهک درآمدی
۱۳۵۷	۰/۵۵۲	۲۴/۰۶
۱۳۵۸	۰/۵۹۱	۲۴/۱۴
۱۳۵۹	۰/۴۶۹	۲۴/۲۳
۱۳۶۰	۰/۴۶۶	۲۴/۳۰
۱۳۶۱	۰/۴۴۱	۲۲/۲۲
۱۳۶۲	۰/۴۵۴	۲۵/۵۱
۱۳۶۳	۰/۴۵۳	۲۶/۰۸
۱۳۶۴	۰/۴۵۲	۲۴/۹۹
۱۳۶۵	۰/۴۶۶	۲۹/۷۸
۱۳۶۶	۰/۴۶۶	۲۳/۱۷
۱۳۶۷	۰/۴۲۸	۲۳/۱۹
۱۳۶۸	۰/۴۳۸	۲۳/۱۸

سال	ضریب جینی
۱۳۶۹	۰/۴۰۰
۱۳۷۰	۰/۴۴۰
۱۳۷۱	۰/۴۸۵
۱۳۷۲	۰/۴۹۹
۱۳۶۸-۷۲	۰/۴۴۵

مأخذ: مبین، شماره ۲۳۴، سال پنجم، تیر ۱۳۷۵

مأخذ: مرکز آمار ایران، سال ۱۳۷۴

### ج - برنامه پنج ساله اول توسعه اقتصادی

از مقایسه جدولهای ارائه شده این نتیجه حاصل می شود که سال ۱۳۶۹ بهترین وضعیت توزیع درآمد در کشور وجود داشته است. این مسأله گویای آن است که برنامه اول طی سالهای ۱۳۶۸ و ۱۳۶۹ در راستای تحقق عدالت اجتماعی حرکت کرده است. اما بعد از آن یعنی ۷۲-۱۳۷۰ وضعیت توزیع درآمد با توجه به ارقام ضریب جینی نشان داده شده در جدول شماره ۴ بدتر شده است. بطوری که در سال ۱۳۷۲ رقم ضریب جینی به عدد ۰/۴۹۹ افزایش یافته است. این ضریب بالاترین ضریب از سال ۱۳۵۹ تا سال ۱۳۷۲ بوده است. در واقع می توان گفت در سال ۱۳۷۲ بدترین وضعیت توزیع درآمد ملی در کشور حاکم بوده است. علت این وضعیت را می توان در سیاستهای تعدیل اقتصادی جستجو کرد. داده های آماری گویای آن است که در سال ۱۳۷۳ وضع ۴۰٪ طبقات پایین جامعه بهبود



یافته است. ۲۰٪ طبقات بالای جامعه مرفه تر و وضعیت ۴۰٪ طبقه متوسط جامعه که عمده حقوق بگیران دولت هستند کمی ناعادلانه تر شده است. در سال ۱۳۷۴ هم به علت تورم ۴/۴۹٪ ضریب جینی و توزیع درآمد نسبت به سال ۱۳۷۲ نابرابر شده است.

### نابرابری منطقه‌ای در ایران

برای تعیین نابرابریهای منطقه‌ای می‌توان از مدل امتیاز استاندارد شده استفاده کرد. ساختار کلی این مدل به شرح زیر است<sup>۷</sup>:

$$SS_{ij} = \frac{X_{ij} - X_i}{\delta_{ni}}$$

$SS_{ij}$  = مقدار شاخص  $i$  در استان  $j$

$X_i$  = میانگین شاخص  $i$

$\delta_{ni}$  = انحراف معیار شاخص  $i$

از آنجا که در این مطالعه شاخصهای انتخاب شده دارای اهمیت یکسانی هستند، امتیازهای استاندارد شده هر یک از شاخصها برای نواحی مورد مطالعه با هم جمع و نتیجه به تعداد کل شاخصها تقسیم می‌شود. امتیاز به دست آمده، معدل امتیازهای استاندارد شده یا «شاخص فعالیت» مناطق مورد مطالعه است که به صورت یک شاخص واحد، امکان مقایسه نواحی را از نظر فعالیت میسر می‌سازد.

$$SS_j = \frac{1}{n} \cdot \sum_{i=1}^n SS_{ij}$$

$SS_j$  = شاخص فعالیت برای استان  $j$        $n$  = تعداد شاخصهای در نظر گرفته شده

با استفاده از مدل مذکور وضعیت استانهای کشور با استفاده از یکصد شاخص در دو مقوله فعالیت صنعتی و فعالیت عمومی اقتصادی از نظر درجه توسعه در نمودار شماره ۲ آرایه شده است. براین اساس استانهای کشور به مناطق فعال، نیمه فعال، کم فعال و کمتر فعال تقسیم می‌شوند که مبین عدم تعادل و نابرابری در میان مناطق مختلف می‌باشد.

در واقع فقیرترین مناطق کشور از نظر فعالیت صنعتی و فعالیتهای عمومی اقتصادی سیستان و بلوچستان، چهارمحال بختیاری، کردستان، کهگیلویه و بویراحمد ایلام می‌باشند.

### مدلهای کاهش فقر

مراحل مختلف ترسیم خط فقر، تعیین شکاف فقر، محاسبه مقدار یارانه، شناسایی گروههای فقیر

۷- مینوریمی، سنجش توسعه صنعتی مناطق کشور، مرکز تحقیقات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران، ۱۳۷۰، ص ۱۷-۴.

و بالاخره نحوه انتقال کمک به یکدیگر مربوطند. بنابراین مهمترین موارد بعد از ترسیم خط فقر شناسایی قشرهای فقیر و تعیین نحوه انتقال کمک است. برای این روش تکنیکهای کمی زیر پیشنهاد می‌شوند:

۱- مدل محاسبه یارانه  
۲- مدل مالیات منفی بر درآمد

### ۱- مدل ارزیابی یارانه

با استفاده از مدل زیر مقدار یارانه یا کمک مورد نیاز فقرا مشخص می‌شود<sup>\*</sup>:

$$S = (F(X) \cdot N/n) \cdot PG$$

$S$  = سوپسید =  $PG$  = شکاف فقر جامعه مورد مطالعه =  $N$  = جمعیت جامعه مورد مطالعه

$F(X)$  = درصد افراد زیر خط فقر =  $n$  = تعداد طبقات هزینه‌ای

مثال: چنانچه جمعیت جامعه شهری در سال ۱۳۷۳ حدود ۳۴,۶۵۰,۰۰۰ نفر باشد، مقدار مطلق کمک مورد نیاز به صورت یارانه به این جامعه را مشخص کنید تا کلیه شهرنشینان زیر خط فقر به روی خط فقر منتقل شوند:

$$S = [13/7(34650000) \cdot 0/20(326804)] = 7,756,774,6410 \text{ (ریال)}$$

روشهای دیگری نیز برای محاسبه مقدار لازم یارانه پیشنهاد شده‌است. از جمله «کاکوانی» رابطه

زیر را برای تعیین یارانه ارزیابی داده‌است:

$$P = F(X) \cdot \frac{X - \mu}{\mu}$$

در این مدل:

$X^*$  = خط فقر =  $\mu^*$  = درآمد متوسط گروه زیر خط فقر.  $\mu$  = درآمد متوسط جامعه.

$F(X)$  = درصد افراد زیر خط فقر.  $P$  = درصد مورد نیاز از درآمد گروه بالای خط فقر جهت حذف فقر

حال اگر مجدداً جامعه شهرنشینان را در سال ۱۳۷۳ در نظر بگیریم با توجه به رابطه فوق مقادیر

زیر را خواهیم داشت:

$$X^* = 481,995 \text{ ریال} \quad \mu^* = 363,363 \text{ ریال}$$

$$\mu = 1,530,094 \text{ ریال} \quad F(X) = 13/7 \text{ درصد}$$

$$P = \%13/7 \cdot \frac{481,995 - 363,363}{1,530,094} = \%1$$

۸- جمشید پژویان، فقر، خط فقر و کاهش فقر؛ مجموعه مقالات گردهمایی بررسی مسأله فقر و فقرزدایی، جلد اول،

به عبارت دیگر اگر فقط ۱٪ از هزینه خانوارهای بالای خط فقر به گروه زیر خط فقر منتقل شود همه بالای خط فقر قرار خواهند گرفت.

## ۲- روش مالیاتهای منفی بر درآمد<sup>۹</sup>

در روش مالیات منفی، همانطوری که دولت از درآمدهای بالاتر از یک حد معینی مالیات بردارد دریافت می‌کند، به درآمدهای پایینتر از یک حد معینی کمکهای مالی می‌کند. برای انجام این کار، مانند روش معمولی مالیات بر درآمد یک نرخ مالیاتی و یک حد معینی درآمد تعیین می‌شود. اجرای این روش که هم‌اکنون در کشورهای پیشرفته‌ای چون (انگلستان) اجرا می‌شود، باعث بهبود وضعیت دهک‌های فقیر جامعه می‌شود. در نتیجه اگر از دهک‌های ثروتمند جامعه مالیات بیشتری اخذ شود. ضرایب جینی جامعه کاهش خواهد یافت. این الگو مستلزم شناسایی وضعیت درآمدی جامعه و ایجاد بانک اطلاعات دقیق و اصولی است. بنابراین آثار مثبت این الگو کاهش تعداد فقرای زیر خط فقر و تعادل در جامعه خواهد بود. معادله مربوطه به این صورت است<sup>۱۰</sup>:

$$T = t(Ya - X)$$

در این معادله T مالیات (T مقدار کمکهای مالی)، t نرخ مالیات، Ya درآمد قبل از کسر مالیات، X حدی از درآمد که مالیات پرداختی در آن نقطه برابر صفر است.

## نظریه کاهش فقر و نابرابریها

نظریه پردازان در مورد علت فقر تئوریهایی گوناگونی ارائه داده‌اند. یکی از معروفترین نظریه‌ها، «تئوری دایره فقر» است. طبق این نظریه علل اولیه یا اصلی فقر در سرمایه کم، بازدهی کم، درآمد کم و پس‌انداز کم نهفته است<sup>۱۱</sup>، که عامل نابرابری و بخصوص نابرابریهای منطقه‌ای، ثروتهای تولیدی نظیر زمین و سرمایه‌های مالی و فیزیکی است که به نسل بعد از خود منتقل می‌شود.

عده‌ای از نظریه‌پردازان عوامل شخصی مانند، شرایط فیزیکی و روحی نامناسب را که باعث عدم امکان رقابت کامل در بازار کار برای افراد می‌شود، موجب پیدایش فقر می‌دانند. عده‌ای دیگر عوامل اجتماعی (آموزش، تکنیک، دانش) را در پیدایش فقر مهم می‌دانند که این عوامل اجتماعی فقر عمده‌ای از نظام اقتصادی جامعه ناشی می‌شوند. در واقع دولتها سهم عمده‌ای در تشدید یا کاهش فقر دارند. مهمترین سیاستهایی که می‌توان به کاهش فقر رسید توزیع صحیح و مناسب درآمدهاست، چون رشد و

### 9- Negative Income Tax

۱۰- سعید عابدین درکوش. درآمدی به اقتصاد شهری، مرکز نشر دانشگاهی، سال ۱۳۶۴.

۱۱- محمود روزبهان، مبانی توسعه اقتصادی، انتشارات مشعل آزادی، چاپ اول، ۱۳۷۱.

توسعه اقتصادی نه تنها باعث از بین رفتن فقر نمی‌شود، بلکه آن را تشدید هم می‌کند. بنابراین باید راههای مناسب نحوه توزیع درآمد مشخص شود. در این باره نقش دولت تعیین کننده است. یکی از مهمترین راهها برای ایجاد جامعه سالم، مالیات و سیستم صحیح مالیاتی و بخصوص مالیات بر ارث و درآمد و زمین و ایجاد فرصتهای برابر برای همه مناطق است.

فقر به عنوان یکی از پدیده‌های ناشی از توزیع ناعادلانه درآمد در اقتصاد کشور ما عمده ناشی از سیاستهایی است که بیشتر به دلیل اتکاء اقتصاد بر نفت اتخاذ می‌شوند. جریانهای برونزای درآمدی مثل نفت باعث شده تا ما از استراتژیهای استفاده کنیم که به سازگاری بازار کار در ایران کمتر توجه دارند. فقر با توسعه اقتصادی ارتباط متقابل دارد. توسعه اقتصادی پایدار برای کاهش دائمی فقر ضرورت دارد و کاهش فقر، پایداری توسعه را تضمین می‌کند.

### جمع بندی و نتیجه گیری

بطوری که ملاحظه شد بین خانواده‌ها و مناطق مختلف کشور فقر و نابرابری وجود دارد. برای کاهش این فقر و نابرابری سیاستهای زیر پیشنهاد می‌شود:

۱- توزیع مناسب و صحیح درآمدها، چون رشد و توسعه اقتصادی نه تنها موجب از بین رفتن فقر نمی‌شود، بلکه آن را تشدید هم می‌کند.

۲- سیستم مالیاتی صحیح و اجرای روش مالیات منفی.

۳- کنترل تورم و افزایش سطح دستمزدها.

۴- برابری دستمزد کارکنان دولت به شاخص خرده‌فروشی (نرخ تورم سالیانه).

۵- اعمال مکانیسم کنترل بر قیمتها.

۶- ادامه تثبیت نرخ ارز.

۷- ارایه طرحهای اشتغال‌زایی با بازده سریع در بخشهای مختلف مناطق کمتر توسعه یافته کشور.

۸- برقراری فرصتهای برابر برای همه مناطق و نواحی و کاهش اختلاف درون و برون منطقه‌ای.

۹- ارایه برنامه‌های جامع منطقه‌ای شامل پوشش کامل شهر و روستا در یک نظام سلسله مراتب

منطقه، خرد منطقه، ناحیه، منظره، مجموعه، روستا.

۱۰- تشویقهای مالیاتی در سرمایه‌گذاری در مناطق و نواحی محروم از طریق ایجاد طرحهای اشتغال‌زا.

۱۱- آرایش فعالیتهای کلان اقتصادی - اجتماعی در درازمدت به نحوی که باعث توزیع متعادل و

مطلوب جمعیت در پهنه کشور شود (توزیع بهینه منابع).

۱۲- حل مسأله بیکاری، ایجاد شغل در طرحهای اشتغال‌زا، تغییر تخصصها متناسب با نیاز جامعه

و هماهنگی با بخش خصوصی از طریق طرح و برنامه در ایجاد اشتغال.

وضع فعالیت	فعالیت عمومی اقتصادی	فعالیت صنعتی	وضع فعالیت		
فعال	۱- تهران	۱- تهران	فعال		
	۲- اصفهان	۲- اصفهان			
	۳- خوزستان	۳- زنجان			
	۴- خراسان	۴- خراسان			
نیمه فعال	۵- آذربایجان شرقی	۵- مرکزی	نیمه فعال		
	۶- کرمان	۶- یزد			
	۷- مازندران	۷- کرمان			
	۸- گیلان	۸- فارس			
	۹- یزد	۹- آذربایجان شرقی			
	۱۰- زنجان	۱۰- خوزستان			
	۱۱- آذربایجان غربی	۱۱- گیلان			
	۱۲- فارس	۱۲- مازندران			
	۱۳- سمنان	۱۳- همدان			
	کم فعال	۱۴- بوشهر		۱۴- لرستان	کم فعال
		۱۵- هرمزگان		۱۵- باختران	
۱۶- مرکزی		۱۶- آذربایجان غربی			
۱۷- باختران		۱۷- سمنان			
۱۸- همدان		۱۸- بوشهر			
۱۹- کهگیلویه و بویراحمد		۱۹- هرمزگان			
کمیتر فعال		۲۰- چهارمحال و بختیاری	۲۰- سیستان و بلوچستان	کم فعال	
	۲۱- لرستان	۲۱- چهارمحال و بختیاری			
	۲۲- کردستان	۲۲- کردستان			
	۲۳- ایلام	۲۳- کهگیلویه و بویراحمد			
	۲۴- سیستان و بلوچستان	۲۴- ایلام			

نمودار شماره ۲: مقایسه جایگاه هر استان از دیدگاه فعالیت عمومی اقتصادی

و فعالیت صنعتی، سال ۱۳۶۵